

دیوان

کلیم کاشانی

به کوشش : سعید قانع

سرشناسه : کلیم، ابوطالب ، - ۱۰۶۱ ق.

عنوان قراردادی : دیوان

عنوان و نام پدیدار : دیوان کلیم کاشانی / به کوشش سعید قانع

مشخصات نشر : تهران : پیمان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۲۷ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۰۰-۰۳-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۱ ق.

شناسه افزوده : قانع، سعید، ۱۳۳۵ -، گرد آورنده

رده بندی کنگره : PIR ۶۵۲۰ / ۵۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۸۵۱ / ۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۷۱۴۲۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

دیوان کلیم کاشانی

شاعر: ابوطالب کلیم کاشانی

به کوشش: سعید قانع

ناشر: انتشارات پیمان: تأسیس ۱۳۵۹

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: کلفام

چاپ: فراین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۰۰-۰۳-۹

آدرس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان روانمهر، پلاک ۱۶۰

تلفن: ۶۶۴۰۰۹۳۱-۶۶۴۹۹۱۸۴

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مقدمه

ملک الشعرا میرزا ابوطالب کلیم همدانی یا ابوطالب کلیم کاشانی مشهور به طالبای حکیم از شاعران مشهور قرن یازدهم هجری، یکی از بزرگ‌ترین شعرای مشهور زمان خود بود و از برجستگان سبک هندی و از شاعران موفق این شیوه به شمار می‌رود. مقارن سال‌های ۹۹۰ و ۹۹۲ هجری قمری در همدان زاده شد؛ اما چون مدتی در کاشان اقامت داشت، کاشانی هم خوانده شده است. هرچند خود می‌گفته است:

«من از دیار سخنم چون کلیم نه همدانی‌ام و نه کاشانی‌ام.»

تذکره‌نویسان و محققان اخیر چون والّه داغستانی و سرخوش و ادوارد براون و هرمان اته و صاحب مرآت‌الخیال عموماً یا او را همدانی خوانده‌اند یا از مولد و موطن او نامی نبرده‌اند. از محققان معاصر نیز میرزا عبدالعظیم قریب او را همدانی می‌داند. وی علاوه بر کاشان، زمانی را در شیراز به سر آورد و در همان‌جا با مقدمات علوم آشنایی پیدا کرد. پس از فراگیری علوم رسمی در شیراز، به خاطر بی‌اعتنایی دربار اصفهان به شعر سنتی، در صدد مهاجرت به هندوستان افتاد تا حریر سخن را به بازاری تازه پیشکش کند؛ به هند رفت و ملازمت شاهنوازخان اختیار کرد. اما در نخستین سفر به دربار دهلی، شاید به دلیل جوانی و خامی، پس از چندی با دست خالی و سینه‌ای مالا مال درد، در سال ۹۹۸-۱۰۲۸ هجری پس از مرگ شاهنوازخان به وطن بازگشت! و چنانچه از اشعار او برمی‌آید به زودی از این بازگشت پشیمان شد و همین باعث گردید که بیش از دو سال و اندی در ایران نماند و به هندوستان بازگردد.

دومین هجرت این سخنور نامی، به سوی هند مقارن سال ۱۰۳۰ هجری بود. گویا هفت سال طول کشید تا شاعر به درگاه راه یابد و سری از میان سرها درآورد! اینک «جهانگیرشاه» درگذشته بود، «شاه‌جهان» بر اریکه قدرت نشسته بود و قدسی مشهدی

پس از وفات طالب آملی، ملک الشعراء دربار بود. این بار کلیم ملازمت روح الامین اصفهانی که از رجال معروف عصر بود اختیار کرد و پس از چندگاه در آغاز پادشاهی شاه جهان بین شاه تقرب جست و مورد توجه و عنایت او واقع شد و سرانجام ملک الشعراء دربار او شد. باری کلیم کاشانی مورد عنایت قرار گرفت و از شاه، پروانه اقامت دایم در خطه دلفروز کشمیر یافت. پارسی گویان دیگری نیز درین دیار، رحل اقامت افکنده بودند که زنده ترین آنان، صائب تبریزی، سلیم تهرانی، قدسی مشهدی، نورالدین ظهیری و... بودند. کلیم از سوی شاه جهان مأمور شد که فتوحات شاه جهانی را به نظم آورد که در آن وقایع زمان این شاه، اعراف مثنوی به تصویر کشیده است.

اسلوب شاعری کلیم

یکی از تذکره نویسان معاصر کلیم، نگارنده «کلمات الشعراء» است. این ناقد درباره کلیم چنین گوید:

«ابوطالب کلیم، شاعر عمده پایتخت، صاحب قدرت، معنی یاب، در اقسام سخن سنجی، طاق و در انواع کمالات، شوره آفاق بود.»

شمس لنگرودی از پژوهشگران معاصر درباره هنر شاعری کلیم می گوید: «ذهن کلیم، ذهنی فلسفی و اندیشه‌ی وی، اندیشه‌ای ژرف و وسیع است! در تمامی اشعار وی، پرسش‌ها و شک‌های فلسفی، موج می زند. اندوه کلیم نه از زندگانی روزمره، که از بنیاد جهان است. کمتر شعری دارد که در آن، تمامیت هستی، مورد پرسش قرار نگرفته باشد. از وازگان مکرر و مورد علاقه‌ی کلیم این‌هاست:

خار، ناله، حباب، موج، مرگ، زندگی، دل، عمر، کاروان، آینه، زنگار، بخت و باده و نظایر آن.

به این ابیات نظری می افکنیم:

مرگ، تلخ و زندگی هم سربه‌سر، درد و غم است

پشت و روی کار عالم، هیچ‌گاه دلخواه نیست

که بختم، صد بلا بر سر، نیارود

ز پایم دهر، خاری، برنیارود

اهمیت کلیم، بیشتر نهفته در غزلیات اوست. کلیم در شعرش، اصالت تجربه و مشاهده، ژرفای اندیشه، صدق بیان و خلاقیت معانی را گرد آورده است. سخن کلیم ازین رو مشمول فراموشکاری تاریخ نشده است که از عمق عاطفه و گاه از طنزی ظریف و نیز حکمت عملی، برخوردار می‌باشد. زبان کلیم کاشانی از نظر سادگی قابل تشخیص است و در همه حال، دور از ابتذال است.

گفته شده که کلیم مردی بوده با وسعت نظر و صاحب‌دل. وی با همگان، میانه‌ای نکو داشته و روزگار خویش را با تهدید، توطئه و حسادت تیره و تار نکرده است. شبلی نعمانی، نگارنده کتاب «شعرالمعجم» گوید: «کلیم، برخلاف برخی شاعران دیگر، آدمی صاف‌دل، قانع و دست و دلباز بوده است. کلیم حاضر جواب بوده و صنعت «مثالیه = معادله» که شیوه خاص صائب است، به وسیله کلیم کاشانی آغاز شده است...» برخی از ابیات کلیم به خاطر زیبایی و تازگی اش اینک به صورت «امثال سایره» درآمده، به طور مثال:

نه هر که صدرنشین شد، عزیز شد که غبار اگر به دیده رسد، توتیا نخواهد شد

روزگار اندر کمین بخت ماست درود، دایم، در پی خوابیده است

قطع امید کرده، نخواهد نعیم دهر شاخ بریده را نظری بر بهار، نیست
کلیم کاشانی سبکی داشت که به غزلیات سبک عراقی و پهلوی می‌رود. مختصات کار کلیم، نازک‌خیالی و اغراق و مضمون‌یابی بود.
اگر دقت در جزئیات امور و تبیین هنرمندانه آن را، یک خصوصیت برجسته اسلوب هندی بدانیم؛ کلیم با اقتداری تمام از این موهبت، برخوردار است به اضافه «حسن تعلیل» ها و آرایش‌های دیگر.

سبک شعری کلیم

کلیم از هجو‌گريزان بود، هرچند می‌گفت:

گر هجو نیست در سخن ز عجز نیست حیف آیدم که زهر در آب بقا کنم

کلیم در انواع شعر طبع والا بی داشت، اما مهارت و شهرت عالمگیر او در غزل‌های

اوست که در آنها زبان ساده و گفتاری روان، سخنی استوار و مضمونی تازه دارد. ابداع معانی و خیال‌های رنگین به غزل کلیم لطف ویژه‌ای بخشیده است. ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، در سخن او برجستگی زیادی یافته است. به کار بردن واژه‌های هندی، آنجا که از ذکر حرفه‌ها و گل‌ها و گیاهان ناگزیر بوده، شعر و غزل کلیم را در میان اقوان متمایز ساخته است. وی در اشعار خود تمثیل بسیار داشته و در آوردن مصراع‌ها و بیت‌هایی که حکم مثل داشته باشد، بسیار توانا بود، تکرار قافیه و شمار ابیات او کم است، به قدری که قالب‌های شعری را کاملاً رعایت نمرده است. در اشعار او انتقاد اجتماعی در برابر نابرابری‌ها و زهد خشک دیده می‌شود:

در دور مبار خست ابنای روزگار دشوارتر ز مرگ، گریبان دریدن است

دیوان کلیم شامل ده هزار بیت شعر است که در آن پنج هزار بیت غزل، نزدیک به هزار بیت قصیده و بقیه در قالب‌های قطعه، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است. مثنویات او حدود دوهزار بیت است که از میان آنها فتوحات شاه‌جهان و پادشاهنامه در بحر متقارب^۱ مشهورتر است.

کلیم را به سبب مضامین ابداعی بی‌شماری که در اشعار خویش به کار گرفته، خلاق‌المعانی ثانی لقب داده‌اند؛ چرا که خلاق‌المعانی اول، کمال‌الدین اسمعیل است. کلیم در اواخر عمر خود به درد پا دچار شد و در سفری که به همراه شاه‌جهان به کشمیر رفته بود آنجا را واپسین جای اقامت خود برگزید. ولی وابستگی او به دربار شاه‌جهان با این گوشه‌گیری از میان نرفت، بلکه او در آن سرزمین مقرری سالانه‌ای از دربار داشت و همچنان شاعر برگزیده شاه‌جهان و ستایشگر او بود و در آنجا مشغول به نظم در آوردن پادشاهنامه یا فتوحات شاه‌جهانی اشتغال داشت و سرانجام به سال ۱۰۶۱ در کشمیر درگذشت و در کنار مزار سلیم تهرانی و قدسی مشهدی به خاک سپرده شد.

۱. متقارب: نزدیک بهم.

فهرست مطالب

در مدح و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) . ۲۹۷	مقدمه ۳
در مدح ابوالمظفر، شاه جهان ۳۰۳	اسلوب شاعری کلیم ۴
در مدح ابوالمظفر و تعریف جشن وزن. ۳۰۵	سبک شعری کلیم ۵
ایضاً در مدح شاه جهان ۳۰۶	
در مدح ابوالمظفر شاه صاحب قران ثانی ۳۰۸	غزلیات ۱۱
تجدید مطلع و تشبیب ۳۰۹	حرف «الف» ۱۲
گریز: در تعریف فیل ۳۱۲	حرف «ب» ۳۲
در مدح صاحب قران ثانی و اورنگ ... ۳۱۴	حرف «ت» ۳۳
در تعریف جشن و مدح سلطان ۳۲۲	حرف «ح» ۹۱
در فضیلت ماه رمضان و مدح شاه جهان ۳۲۴	حرف «دال» ۹۲
در توصیف هندوستان و مدح شاه جهان ۳۲۶	حرف «ر» ۱۹۴
در توصیف عید وزن و مدح شاه جهان. ۳۲۷	حرف «ز» ۱۹۶
بهاریه و مدح شاه جهان ۳۲۹	حرف «سین» ۱۹۷
ستایش شاه جهان در عید وزن ۳۳۰	حرف «شین» ۱۹۸
شکوه از درد پا و ناتوانی ۳۳۲	حرف «غین» ۲۰۴
شکوه از ابتلا به جرب و آبله ۳۳۶	حرف «ل» ۲۰۵
در مدح روح الامین ۳۳۸	حرف «میم» ۲۰۵
قصیده‌ی دیگر در مدح روح الامین ۳۴۰	حرف «نون» ۲۴۸
در مدح نواب شهناز خان ۳۴۳	حرف «وار» ۲۶۳
در تعریف از قصر بلند پایه‌ی نواب ... ۳۴۶	حرف «ه» ۲۶۵
قصیده‌ی دیگر در تعریف جشن وزن .. ۳۴۸	حرف «ی» ۲۷۵
تاریخ بنای قصر شاه جهان ۳۴۹	
قصیده دیگر در تعریف از قصر بلند پایه ۳۵۰	قصاید ۲۹۱
در مدح شاه و تعریف از عید وزن ۳۵۱	در نعت پیامبر اسلام (ص) ۲۹۳
در مدح شاه و تعریف از برخورد دو عید ۳۵۳	

- ۴۴۹ کتابه‌ی دولنخانه‌ی صفاپور
 ۴۵۰ کتابه‌ی عمارت باغ فیض بخش
 ۴۵۱ کتابه‌ی حمام پادشاهی
 ۴۵۳ کتابه‌ی عمارت لاهور
 ۴۵۴ کتابه‌ی دولنخانه‌ی پادشاهی
 ۴۵۶ کتابه‌ی دولنخانه‌ی شاه جهان آباد
 ۴۵۹ بارندگی و گل و لای دامن کره کشمیر
 ۴۶۱ ۱- مقطعات
 ۴۶۱ ۲- تاریخ‌ها
 ۴۶۱ ۳- ترجیع بند
 ۴۶۱ ۴- ترکیب بندها
 ۴۶۱ ۵- رباعیات
 ۴۶۳ مقطعات
 ۴۶۳ شکوه از ناتوانی اسب
 ۴۶۳ تعریف انگشتری
 ۴۶۴ شکوه از مفارقت دوستی
 ۴۶۴ در معذرت از نرفتن به خانه سید علی
 ۴۶۴ به طریح مطایبه
 ۴۶۵ شکایت از تب و لرز
 ۴۶۶ در طلب کیف
 ۴۶۶ در مدح یکی از اکابر زمانه کمان
 ۴۶۷ از بزرگی، طلب دای قروض باکرده
 ۴۶۸ در بیجاپور مورد سوءمن قرار گرفته
 ۴۶۸ و به حبس افتاده است
 ۴۶۹ در مدح شهناز موقعی که ظاهراً تحت نظر
 ۴۶۹ قرار گرفته بوده است
 ۴۷۰ در مدح شاه جهان صاحب قرائن ثانی
 ۴۷۱ حکایت از تب و لرز
 ۴۷۲ در توصیف از مرقع شاه جهان
 ۳۵۵ در وصف بهار و مدح شاه جهان
 ۳۵۷ قصیده‌ی دیگر در وصف بهار و پادشاه
 ۳۵۹ تجدید مطلع
 ۳۶۳ قصیده‌ی دیگر در مدح صاحب قرن
 ۳۶۶ تاریخ انعام مسجد شاه جهان
 ۳۶۹ در مدح صاحب ابوالمظفر شاه جهان
 ۳۷۱ ویر در مدح ابوالمظفر شاه جهان
 ۳۷۳ تاریخ فتح بلخ
 ۳۷۴ در تعریف زمستان کشمیر
 ۳۷۷ در تهنیت قدوم پادشاهی
 ۳۷۹ در رسیدن آشیب آتش به شاهزاده
 ۳۸۱ بیت الشکوی و موعظه، مستتر به متاع
 ۳۸۹ مثنویات
 ۳۹۱ کتابه‌ی قصر دل افروز و تاریخ بلخ
 ۳۹۲ کتابخانه‌ی دولنخانه‌ی اکبرآباد
 ۳۹۴ تعریف اکبرآباد و باغ جهان آرا
 ۴۰۲ تعریف جنگ قبل شاهزاده اورنگ
 ۴۰۶ تعریف قحط دکن
 ۴۱۲ برای نقش کردن بر حاشیه‌ی جلد کتابی
 ۴۱۲ نقش کردن بر حاشیه‌ی سرپرده‌ی شاهی
 ۴۱۳ برای نقش کردن بر دور سپر پادشاهی
 ۴۱۴ در شکستن دست خود گفته
 ۴۱۶ در تعریف اسب و توصیف بیماری او
 ۴۱۸ کتابه‌ی عمارت شاهناز خان
 ۴۲۰ در وصف قصر پادشاهی
 ۴۲۴ کتابه‌ی دولنخانه‌ی کشمیر و تاریخ آن
 ۴۲۷ کتابه‌ی دولنخانه و تاریخ عمارت
 ۴۲۸ در تعریف کشمیر
 ۴۳۶ داستان سرکوبی و قتل ججهار

تاریخ وفات مرحومی خواجه ابوالحسن ۴۹۰	در وصف اورنگ پادشاهی ۴۷۳
تاریخ مسافرت شاه جهان به لاهور ۴۹۱	در تعریف از قبضه‌ی خنجر شاه جهان ۴۷۵
تاریخ تزویج ۴۹۱	در وصف وقایع ایام شاه جهان ۴۷۶
در مدح شاه جهان و توصیف شاهی ... ۴۹۲	در وصف اورنگ پر جلال شاه جهان ۴۷۷
تاریخ اتمام بنای صیدگاه ۴۹۲	در بلندی نظری و همت خود ۴۷۸
ماده تاریخ تزویج اورنگ زیب ۴۹۳	به واسطه‌ی جنگ فیل با شاهزاده اورنگ ۴۷۹
تاریخ تولّد شاهزاده سعید ۴۹۳	در مذمت شخصی گفته ۴۷۹
تاریخ اتمام یافتن بارگاه شاه جهان ۴۹۴	در تعریف قصر گفته ۴۷۹
تاریخ فوت آصف خان ۴۹۴	در مدح اعلیٰ حضرت ظلّ اللّٰهی گفته ۴۸۰
تاریخ شهادت صلابت خان ۴۹۵	خانه طلبیده ۴۸۱
تاریخ اتمام بنایی در کشمیر ۴۹۵	در طلب خانه ۴۸۱
تاریخ فتح بلخ و بدخشان ۴۹۷	تاریخ‌ها ۴۸۲
تاریخ ورود شاهزاده مرادبخش ۴۹۸	تاریخ ولادت پادشاه عالم، شاه جهان ۴۸۳
تاریخ ورود شاهزاده مراد ۴۹۹	تاریخ تولّد فرزند شاه جهان ۴۸۳
تاریخ فوت حکیم مسیح الزّمان ۴۹۹	تاریخ فوت مولانا ملک قمی ۴۸۴
ترجیع بند ۵۰۱	تاریخ ولادت شاه شجاع ۴۸۴
ساقی نامه ۵۰۱	تاریخ تولّد اورنگ زیب ۴۸۵
ترکیب بندها ۵۰۵	تاریخ مسافرت کلیم از هند به عراق ... ۴۸۵
در رثای حاج محمّدجان قدس و فوت او ۵۰۵	تاریخ ولادت شاهزاده‌ی بلند اقبال، ... ۴۸۵
ترکیب بند در تهنیت نوروز و ملیح شاه ۵۱۱	ماده تاریخ مسافرت آصفجاه به آگره ۴۸۶
رباعیات ۵۱۷	تاریخ برگشتن لشکر از کابل ۴۸۶
	در مدح شاه جهان و تاریخ تسخیر محلی ۴۸۷
	تاریخ فوت یکی از نوادگان شاه ۴۸۷
	امیدوار ساختن شاه جهان به فتح دکن .. ۴۸۸
	تاریخ ولادت پسر جعفر خان ۴۸۸
	تاریخ آمدن اعلیٰ حضرت به اکبرآباد ۴۸۸
	تاریخ کدخدایی و زن گرفتن شاه شجاع ۴۸۹
	تاریخ فوت نواب مرحومی صادق خان ۴۸۹
	تاریخ فوت صادق خان ۴۹۰